فهرست

[ادامه مبحث یازدهم: توهین به اشخاص حقوقی 2](#_Toc90379984)

[مقام اول: مکلف بودن شخص حقوقی 2](#_Toc90379985)

[مقام دوم: متعلق تکلیف بودن شخص حقوقی 2](#_Toc90379986)

[مقام سوم: حکم اهانت به اشخاص حقوقی 3](#_Toc90379987)

[سؤال و جواب 4](#_Toc90379988)

[مبحث دوازدهم: معین بودن و نبودن مهان 6](#_Toc90379989)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / اکرام و تحقیر

# ادامه مبحث یازدهم: توهین به اشخاص حقوقی

بحث در حکم اهانت به دیگران بود که پس از بررسی ادله فروعی را مطرح کردیم. در فرع یازدهم مطالبی مطرح شد تا به اینجا رسیدیم که اگر به شخص حقوقی توهین شود حکمش چیست؟ اشاره‌ای شد و آن را تکمیل می‌کنیم. آنچه می‌شود در باب شخص حقوقی گفت در دو مقام و مرحله است:

## مقام اول: مکلف بودن شخص حقوقی

مقام اول: اهانت به شخص حقوقی فی حد نفسه با قطع‌نظر از اینکه به اشخاص خارجی برمی‌گردد اشکال دارد یا نه؟ همان‌طور که در باب شخص حقوقی گفته‌شده است که آیا شخص حقوقی می‌تواند مکلف شود و مخاطب قرار بگیرد یا نه سؤالی هم این است که آیا شخص حقوقی می‌تواند متعلق و موضوع احکام قرار بگیرد یا نه؟ هر دو سؤال درباره شخص حقوقی قابل‌طرح است. هم آیا شخص حقوقی می‌تواند مکلف به تکالیف بشود یا نه به‌عنوان‌مثال گفته شود درصورتی‌که کسانی نان‌خور شخصیت حقوقی‌اند آیا می‌شود آن شخص حقوقی مکلف به اداء فطریه قرار بگیرد؟ یا شرکت موظف به پرداخت خمس شود؟ این یک بحث است که باید در جای خودش بحث شود. مشهور این است که شخص حقوقی در احکام تکلیفی نمی‌تواند مخاطب قرار بگیرد زیرا آگاهی و شعور و علم و قدرت و اختیار شرط تکلیف است که در شخص حقوقی وجود ندارد. در احکام وضعی تا حدی انظار متفاوت است و ممکن است کسی بگوید در دین و امثال اینها می‌تواند مالک شود یا ضامن شود. درهرصورت چه احکام تکلیفی چه وضعی متوجه اشخاص حقوقی می‌شود یا نه بحث دامنه‌داری است که باید بحث کرد. دایره امر بسیار وسیع است و امر هم بسیار مورد ابتلاست. الآن هم دوستان در حال کارند که شبیه الفائق یک تکمله ای برای مکاسب چاپ کنند که یک بخشش هم شخص حقوقی است. این در مکلف شدن شخص حقوقی به خطاب احکام تکلیفی و وضعی است که اکنون به آن نمی‌پردازیم و از آن می‌گذریم.

## مقام دوم: متعلق تکلیف بودن شخص حقوقی

مقام دوم این است که شخص حقوقی آیا مکلف به حقوق اخلاقی قرار می‌گیرد یا نه؟ مثلاً وقتی می­گوییم سب و اهانت دیگران حرام است آیا دیگران که متعلق احکام‌اند آیا شامل اشخاص حقوقی می‌شوند یا نه؟ این مبحث جای بحث و تعمیق بیش ازآنچه ما مطرح می‌کنیم دارد. شاید موارد متفاوت باشد و باید مورد به موردتوجه شود. احتمالاتی اینجا متصور است. ممکن است کسی بگوید بله اشخاص حقوقی بماهی شخصیت حقوقی متعلق و موضوع احکام هست. عناوینی که در متعلقات و موضوعات احکام اخذ شده است شامل احکام حقوقی هم می‌شود و عقلا احکام حقوقی که متعلق اشخاص حقوقی است به نحوی مشمول آن عناوین قرار می‌دهند. وقتی می‌گوید ظلم نکن شامل اشخاص حقوقی هم می‌شود. احتمال دوم این است که این احکام شامل اشخاص حقوقی نمی‌شود مگر اینکه به اشخاص حقیقی برگردد. احتمال سوم اینکه موارد متفاوت است. جاهایی نمی‌شود شخص حقوقی متعلق احکام باشد و درجایی نمی‌شود. اگر کسی بگوید اشخاص حقوقی چه در مبحث اول چه دوم بالذات و مستقلاً متعلق خطابات نیستند چه از حیث مخاطب شدن و چه از حیث موضوع احکام شدن. اگر این را کسی بپذیرد به مقام سوم می‌رسیم.

## مقام سوم: حکم اهانت به اشخاص حقوقی

مقام سوم این است که اشخاص حقوقی وقتی متعلق احکام قرار می‌گیرند که به نحوی به اشخاص حقیقی برگردد. یعنی باید دید آنچه متوجه شخص حقوقی می‌شود پر آن اشخاص حقیقی را می‌گیرد یا نه؟ ما این بحث را بررسی می‌کنیم. قسمت‌های دیگر مباحث مفصلی دارد که بعداً می‌پردازیم. الآن فرض می‌گیریم شخص حقوقی بالذات متعلق و موضوع احکام نیست. وقتی می‌گوید ایذاء و اهانت نکن فرض این است که اینها شامل اشخاص حقیقی هستند و اشخاص حقوقی مشمول اینها نیستند الا بالعرض. عناوینی که آمده یا به شکل وضعی یا انصرافی شامل اشخاص حقیقی می‌شود و شامل اشخاص حقوقی نمی‌شود. این را ما مفروض می‌گیریم. البته جای بحث دارد وقتی اشخاص حقوقی را بحث کردیم این را بحث می‌کنیم. حال سؤال اینجا مطرح می‌شود که اهانت به اشخاص حقوقی جایز است یا نه؟ با این فرض پاسخ واضح است.

اگر اهانت به شخص حقوقی به اشخاص حقیقی برگردد و عرف برداشت اهانت به آنها را داشته باشد حرام می‌شود و اگر نباشد نمی‌شود. پس پاسخ این است که اهانت و توهین به‌عنوان حقوقی آنگاه حرام است که عرف از آن برداشت و تلقی اهانت به برداشت حقیقی بکند یا اگر عناوین مشترک است قصد اهانت به اشخاص حقیقی داشته باشد وگرنه نه. و این به اختلاف شرایط و اوضاع‌واحوال متفاوت است. اینکه به اشخاص حقیقی برمی‌گردد یا نه با اختلاف اوضاع متفاوت است.

1. به‌عنوان‌مثال از جاهایی که برنمی‌گردد این است که این شخصیت حقوقی پایه‌هایش بر اشخاص حقیقی بسیار زیاد است. وقتی اشخاص حقیقی بسیار زیاد در این مسئله دخیل باشند به نحوی عرف نگاهش سمت اشخاص حقیقی نمی‌رود. گاهی این موجب می‌شود شخص حقوقی آینه اشخاص حقیقی نشود و اهانت به او به آنها برنگردد.
2. یا جایی که اشخاص حقیقی صاحب‌امتیاز در این شخصیت حقوقی شناخته‌شده نباشند. مثلاً فحش به شرکت می‌دهد و مخاطب یا خودش نمی‌دانند که مالک و هیئت‌مدیره آن کیست. لذا اگر اشخاص عندالمهین و المهان غیر معروف باشند یا اینکه کثیر باشند توهین اشکال ندارد.
3. یا اینکه اهانت به همه نباشد به اکثریت باشد که حالت تردد بین اشخاص حقیقی پیدا می‌کند در این سه حالت دیگر توهین به شخص حقوقی به شخص حقیقی برنمی‌گردد. درجاهایی هم عرف می‌گوید همه این افرادی که در شخصیت حقوقی بودند مورد اهانت قرار گرفتند. حداقل در این سه مثال توهین به شخص حقوقی توهین به شخص حقیقی نیست و اشکال ندارد.

## سؤال و جواب

سؤال: آنجا که خودش نمی‌شناسد ولی بقیه می‌شناسند توهین است.

جواب: فرض ما این بود که نه مهین نه مهان می‌شناسد. در این صورت اشکال ندارد.

سؤال: کثرت چه نقشی دارد؟ مثلاً به‌کل آسیایی‌ها گم می‌شود.

جواب: گویا گم می‌شود.

سؤال: مثلاً یک عرب به عجم توهین کند ناراحت می‌شود آیا اشکال ندارد؟

جواب: آنجا شخص حقیقی مستقیم مورد تکلیف قرار می‌گیرد. فرض ما این است که عنوان حقوقی غیر این است.

سؤال: مثل خاورمیانه؟

جواب: نه اینها جمع افراد حقیقی است. فرض بگیرید عنوانی باشد که این‌طور نباشد مثلاً یونسکو این‌طور است.

سؤال: کارمندان دولت چه طور؟

جواب: این هم جمع افراد حقیقی است

سؤال: مثلاً بگوییم دولت.

جواب: بله. این عنوان حقوقی است

سؤال: جایی که به محصول و برند برگردد و به شخص برنگردد.

جواب: آن هم مثل شخص حقوقی است.

سؤال: گفتید طرف بفهمد که توهین است

جواب: گفتیم فهمیدن طرف مهان لازم نیست. گفتیم صرف الوجود مطلعی لازم است ولی اطلاع مهان بماهو شرط نیست ولی اطلاع شخص­مّا شرط است.

سؤال: در این صورت شخصیت حقوقی یا حقیقی باشد چه فرقی می‌کند. ممکن است حقوقی باشد و مطلعی هست

جواب: بله. گفتیم در خانه‌اش مثلاً به شرکت فحش دهد اشکال ندارد. باید کسی در مطلع شود. این شرط را مفروض گرفتیم و در این فرض آیا شخصیت حقوقی متعلق حکم است یا نه؟ گفتیم اگر به اشخاص حقیقی برگردد اشکال دارد.

سؤال: چرا به شخص حقوقی برگردد؟ آن هم در اذهان کوچک می‌شود.

جواب: گفتیم آن را باید بررسی کنیم.

سؤال: برگشت به شخصیت حقیقی چگونه است مثلاً به روحانیت توهین می‌کند و من ناراحت می‌شوم

جواب: عرف می‌گوید اهانت به این اشخاص کرد. مثلاً به شرکت توهین کرد و به هیئت‌مدیره برگشت.

سؤال: مثلاً می‌گوید جنس‌های این شرکت بنجل است

جواب: بله. به اشخاص و مسئولیت آنها برمی‌گردد.

سؤال: ممکن است به اشخاص برنگردد ولی موجب اختلال نظام پیش آید. مثلاً به سپاه توهین کند

جواب: آن عنوان ثانوی است. ممکن است توهین به شعائر شود آنها جای خود محفوظ. بحث ما در عنوان اولی است و گفتیم اگر به شخصیت حقیقی برنگردد اشکال ندارد. مگر اینکه کسی بگوید شخصیت حقوقی دارای احترام است مثل‌اینکه می‌گویند شخصیت‌های حقوقی مالک می‌شوند. اگر کسی بگوید عین اینکه دارای ملک می‌شوند دارای احترام‌اند. زمانی بحث بنیادی‌تری را انجام می‌دهیم.

سؤال: ملازمه درست کردید که آیا متعلق تکلیف می‌شوند یا نه با این بحث. اگر کسی متعلق تکلیف قرار بگیرد یا نه چه ربطی دارد به اینکه من توهین بکنم یا نه؟ شاید تکلیفی بار نشود ولی توهین من به او اشکال داشته باشد.

جواب: ما نگفتیم اینها ملازمه دارد. گفتیم یک بحث این است که شخصیت حقوقی می‌تواند متعلق تکلیف قرار بگیرد یا نه. این را باید بحث کرد. بحث دیگر اینکه با قطع‌نظر از آن، شخصیت حقوقی مشمول عناوین هستند یا نه؟ ربطی به هم ممکن است داشته باشد یا نداشته باشد. فعلاً داوری نداریم. یک بحث این است که یاایها الناس شامل اشخاص حقوقی می‌شود یا نه؟ بحث دیگر اینکه کار به این نداریم که می‌شود یا نه، عناوینی که در خطابات به‌عنوان موضوع و متعلق اخذشده مثلاً می‌گوید اهانت نکن شامل اشخاص حقوقی می‌شود یا نه؟ اینها دو بحث است البته ریشه‌های مشترک دارند. مثلاً مؤمن یا مسلم گاهی متعلق می‌شود گاهی مخاطب می‌شود. وجه مشترک دارد وجوه مفارق هم ممکن است داشته باشد. این دو بحث را کنار گذاشتیم. با فرض اینکه اشخاص حقوقی در موضوعات و متعلقات داخل نیستند به مقام سوم رسیدیم. آیا توهین به اشخاص حقوقی به اشخاص حقیقی برمی‌گردد یا نه اگر برگردد حرام می‌شود و الا نه. دو سه مثال گفتیم که شاید برنگردد.

سؤال: در تعریف شخص حقوقی بگوییم تعین و تشخصی غیر اشخاص دارد

جواب: بله تعریف همین است.

سؤال: در این صورت اگر توهین به شخص حقوقی به نحو ملازمه به افراد برگردد لذا اینکه شخص حقوقی را بشناسند یا نه مورد اول را گفتید خارج است لازم نیست مطرح شود ممکن است بشناسند ولی به آنها برنمی‌گردد. اگر التزام شکل گرفت حرام است و الا نه.

جواب: بله. چند مثال زدیم که التزام شکل نمی‌گیرد

# مبحث دوازدهم: معین بودن و نبودن مهان

سؤال دیگری مطرح است اینکه مهان باید معین باشد یا اینکه لازم نیست معین باشد؟ توهین به احدالشخصین یا عنوانی که مصداقش معلوم نیست یا مردد بین جمعی است آیا اشکال دارد یا نه؟ کاری به شخص حقوقی یا حقیقی دیگر نداریم. حالات فرق می‌کند. گاهی فرد معین را مورد اهانت قرار می‌دهد یا یکی یا یک میلیون. افراد معین‌اند. اما گاهی شخصی که با عنوانی یا با اسمی مورد اهانت قرار می‌گیرد ناشناخته است نه او نه طرف نمی‌شناسند. یا اینکه مهین می‌شناسد زید ابن عمروی که در فلان جاست را می‌شناسد ولی آنهایی که الآن توهین را می‌شنوند او را نمی‌شناسند این هم اشکال ندارد. پس یا مهین و مهان نمی‌شناسند یا مهین می‌شناسد و مخاطب نمی‌شناسد. این هم اشکال ندارد. برعکس هم شاید اشکال نداشته باشد. گاهی ناشناختگی به این خاطر است که به شکل علم اجمالی است و مردد بین چند نفر است یکی از این چند نفر را مورد اهانت قرار می‌دهد. گاهی فی‌الواقع معلوم نیست و گاهی معلوم است. ظاهراً اینها اشکال ندارد. بنابراین معین بودن شرط است چه یک چه یک میلیون نفر. اما وقتی معین و معلوم نیست اساساً یا اگر هست به شکل مردد بین افرادی است این هم اشکالی ندارد.

بله جاهایی ممکن است اطراف خیلی جمع‌وجور باشد و عرف تلقی توهین به هر سه بکند. چند نفر نشسته‌اند فحش می‌دهد و توهین به همه می‌کند. جمع آنها جمعی است که عرف تلقی می‌کند به همه اهانت کرد. این مصداق اهانت است زیرا اهانت به احد الاشخاص به جمیع الاشخاص ازلحاظ عرف برگشته است. نه اینکه معین بودن شرط نیست بلکه موضوعا فرق کرد. بنابراین شرط در حرمت اهانت معین بودن مهان است قدر متیقنش عند المهین و السامع معین باشد. باید معلوم عند کلیهما باشد. اما اگر مجمل شد یا مردد بین اطرافی بود مثل علم اجمالی این اشکال ندارد یا اگر معین می‌شود در فرضی که هر دو نامعین باشد اگر تفکیک را بخواهیم نگاه کنیم پیش مهین معین است و سامع نمی‌داند ظاهراً اشکال ندارد. برعکس اگر برای سامع معین است و مهین نمی‌داند اشکال ندارد. چون خودش ذهنش به سمتی رفته و مهین تعینی نبخشیده است. لذا معین بوده عند المهین و المستمع شرط است.

سؤال: انسانی را با ویژگی خاصی توهین می‌کنید که میان انسان‌ها ممکن است تعدادی را بگیرد. عرف مورد را نمی‌داند یا نمی‌شناسد چرا صدق اهانت نکند؟ وجود خارجی داشته باشد.

جواب: کسی را که نمی‌شناسد دلیل از آن منصرف است. ولو اینکه بداند انسان‌هایی این‌طور هستند.

سؤال: ولی می‌داند به این وصف انسان‌هایی هستند

جواب: دلیل منصرف از این است نمی‌توان گفت حرام است.

سؤال: اهانت است و اجمالاً می‌داند این نحو موجود در خارج هست.

جواب: مثلاً به خنثی‌ها توهین کرده است. مثل این است که بگوید آفریقایی‌ها. گاهی مصادیق فی‌الجمله متعین هست حرام است اما اگر هیچ مصداقی در ذهن نباشد معلوم نیست حرام باشد.

سؤال: اگر الآن توهین بکند ولی بعدها مشخص شود فلان شخص این صفت را داراست و بعدها متعین شود حرام می‌شود.

جواب: بله. ولی بحث الآن این نیست. الآن بحث بر سر این است که اصلاً شخص نمی‌داند مصداقش کیست. بله اگر مصداق الآن یا بعداً مشخص شد حرام است اما اگر متعین نباشد الآن یا بعداً اشکال ندارد. فعلاً می‌خواهیم ببینیم معین بودن عندالمهین و المستمع لازم است یا نه. الآن یا بعد باید انطباق در ذهن داشته باشد تا حرام باشد و اگر انطباق نباشد حرام نیست. خنثی که نه الآن من می‌شناسم کیست و نه شما در این صورت بعید است حرام باشد.